



نگاهی به اخبار و شایعات پرمخاطب این روزهای تلگرام

از اسکلت فضایی

تادوربین مخفی در اتاق پرو

روزهای اخیر، پرخیز و پرماجرا بود. پر از خبرهای عجیبی که برخی واقعی‌اند و برخی در حد شایعه. اخبار و شایعاتی که همه در نوع خودشان، مهم بودند و مرور و تحلیل‌شان خالی از لطف نیست. پرونده امروز «زندگی سلام» اختصاص دارد به برخی از پربازدیدترین اخبار و پست‌های فضای مجازی.

قراردادنجومی نیمار، ستاره برزیلی با پاری‌سن‌ژرمن معامله دو سر سود برای پاریسی‌ها



مازیار حکاک - چیزی نمانده که نیمار لباس پاری‌سن‌ژرمن را در دست داشته باشد و با لباس این تیم عکس یادگاری بگیرد تا بزرگ‌ترین نقل و انتقال تاریخ دنیای فوتبال رقم بخورد. صبح روز گذشته خبر ترک تمرین بارسا و خداحافظی او با هم‌تیمی‌هایش روی خروجی رسانه‌های معتبر اسپانیایی رفت تا دوباره ماجرای انتقال او به پی اس جی داغ شود. انتقالی که اگرچه گفته می‌شود دور خیز نیمار برای کسب توپ طلاست اما مشخصا به لحاظ فوتبالی به نفع او نیست اما پول خوبی را برایش به همراه دارد. پاری‌سن‌ژرمن و ناصر الخلیفی، مالک ممنولش حاضرند برای انتقال نیمار به تیم فرانسوی ۲۲۲ میلیون یورو معادل ۱۰۰۰ میلیارد تومان بپردازند؛ چیزی معادل ۲ برابر گران‌ترین نقل و انتقال تاریخ که مربوط به انتقال ۱۰۵ یورویی پوگبا از یوونتوس به منچستر یونایتد است. البته از این مبلغ چیزی نزدیک به صفر یورو به نیمار خواهد رسید. چرا که این فقط بند از آداسازی او خواهد بود و دستمزد اصلی ستاره برزیلی در صورت حضور در پاریس، سالیانه ۴۰ میلیون یورو معادل ۱۸۰ میلیارد تومان خواهد بود. اما همین دستمزد هم رقم بسیار بالا و عجیبی برای فوتبالیست‌هاست. گواه این مطلب این که کریس رونالدو از رئال مادرید سالیانه ۲۰ میلیون یورو دستمزد دارد و حتی پوگبا که در حال حاضر گران‌ترین بازیکن دنیاست، از یونایتدها سالیانه چیزی نزدیک به ۱۸ میلیون یورو دریافت می‌کند. انتقال نیمار از بارسلونا به پاری‌سن‌ژرمن روی دیگری دارد که مشخصا می‌توان آن را قدرت نمایی و ضرب شست مالک قطری تیم پاریسی در دنیای فوتبال تحلیل کرد. به عبارت دیگر انتقال نیمار در صورت وقوع، جزو بزرگ‌ترین کل‌کل‌های نقل‌وانتقالاتی تاریخ است. قبل از شروع نقل و انتقالات تابستانی امسال همه از انتقال مارکو وراتی به بارسا به عنوان بزرگ‌ترین بمب نقل و انتقالات فصل ۲۰۱۸-۲۰۱۷ یاد می‌کردند. بارتمو مدیر عامل بارسا چندین بار هم پیشنهاد خود را به پاریس فرستاد، اما جواب پاریسی‌ها یک نه محکم بود. در مقابل پاریسی‌ها فقط به دفاع اکتفا نکردند و بزرگ‌ترین پاتک را به آبی و نارنجی‌ها زدند. انتقالی که اگر به وقوع بپیوندد نه تنها بازی را ۲-۰ هیچ به نفع پاریسی‌ها رقم می‌زند بلکه ناصر الخلیفی را به برنده بزرگ بازار نقل و انتقالات تبدیل می‌کند!

به بهانه عکس‌های جدید سحر قریشی که در فضای مجازی، دست به دست می‌شود چه می‌کنه این میل به دیده شدن!



مهین ساعدی - در روزگاری که جامعه مجازی و شبکه‌های اجتماعی تبدیل به یکی از ارکان اصلی ارتباط افراد با یکدیگر شده است، ستاره‌ها و چهره‌های دنیای ورزش و هنر هم از این فضا برای ارتباط بیشتر با مخاطبان استفاده می‌کنند و با ایجاد صفحاتی در شبکه‌های اجتماعی و انتشار عکس و فیلم و متن و خبرهایی درباره زندگی‌هایشان، یکی از این چهره‌ها، «سحر قریشی»، بازیگر سینمای ایران است که گاهی آن قدر در ارائه تصویری خاص و منحصر به فرد از خودش به لحاظ میکاپ و رنگ مو تیپ و لباس، افراط می‌کند که به «لیدی گاگای ایران معروف شده» او که همواره نقش اول حواشی شبکه‌های اجتماعی در چند سال اخیر، به خصوص اینستاگرام بوده، هربار به نوعی مخاطب و طرفدارانش را غافلگیر می‌کند. یک روز ماجرای جدایی و بحث با همسر سابقش، یک روز دعوا با نیکی کریمی، روز بعد سوتی در برابر محمود شهبازی و بعدتر، حرف‌هایش در برنامه دید در شب رشیدپور. این روزها هم بدون اینکه هیچ حرف یا کار تازه‌ای داشته باشد، اقدام به انتشار تصاویری از زندگی شخصی و اجتماعی خود کرده است. البته همه تصاویر ساختار شکنانه سحر قریشی توسط خودش منتشر نشده و موارد زیادی مربوط به مراسم رسمی است که بازهم ظاهر خانم بازیگر در آن‌ها غیر رسمی است. مثل تصویری که مربوط به جشن تولد جواد رضویان و اکران ویژه فیلم «زیر سقف دودی» است. با این توصیف، شاید بتوان گفت میل به دیده شدن در میان ستاره‌ها آن چنان داغ است که باعث شده برخی از به اصطلاح سلبریتی‌ها، در هر مکان و هر اسمی حاضر شوند تا بلافاصله تصاویرشان با تیپ‌های عجیب و غریب، در شبکه‌های اجتماعی پخش شود بلکه به طریقی، خودشان را به مردم و مخاطبان یادآوری کنند.

مروری بر حاشیه‌های تمام‌نشدنی «عباس جدیدی» عضو شورای شهر تهران از خط افق و شکستن شاخ بز تا ...

دیگر تکیذپ مثل قدیم جواب نمی‌دهد. عباس جدیدی هم بعد از تکیذپ تصویرش متوجه این نکته شد و در نهایت بابت انتشار این عکس عذرخواهی کرد اما پروسه عکس سازی‌های طنز یا چهره جدیدی، آن قدر ادامه دار شد که با فوت هر شخصیتی، دوباره انتظار برای تصویری از عباس جدیدی در کنار مرحوم، وجود دارد!

■ **وقتی نیت خیر در عکس نیفتاد**

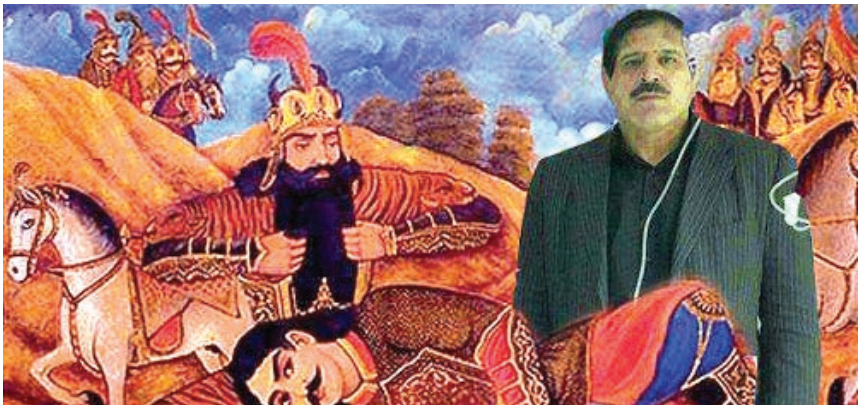
انتشار عکس‌های فتوشاپی از جدیدی در کنار پیکر مشاهیر به جای آن که گوشه را دستش بدهد که یک جای کار ایراد دارد، او را تشویق کرد دوباره با عکس‌هایش سوژه بسازد و در ادامه نیز عکسی که کارت بانکی در دست، در یک موسسه خیریه و با چهره‌ای متواضعانه که کلا معلوم نشد برای چه امر خیری بوده و سعی داشته دست و دلبازی ایشان را نمایش دهد، برایش در دسرساز شد.

■ **ماجرای شاخ بز و مدیریت شهر!**

«هنرمندی که نمی‌تواند دو تا شاخ بز را از هم جدا کند، چرا در مورد مدیریت شهری نظر می‌دهد؟» فارغ از اینکه اصلا برای چه هنرمند باید شاخ بز جدا کند، این گفته عباس جدیدی درواگتش به پست‌های هنرمندانی مثل رضا کیانیان در شبکه‌های اجتماعی دوباره او را سر زبان‌ها انداخت. بعد از این ماجرا، شوخی‌های شاخ‌بزی شروع شدند و همزمان هنرمندان زیادی به طنز یا جدی جواب عباس جدیدی را دادند.

■ **استفاده از عبارات‌های عجیب و غریب در شورا!**

جدیدی در مباحثه با همکارانش از جملات عجیب و غریب کم استفاده نمی‌کند و البته تا به حال دست به یقه هم شده است. او در یکی از جلسات شورا از چمران خواست تا فهرست تمام بدهی‌های مردم به شهرداری را به کمیسیون حقوقی شورا بدهد تا او ۷۲ ساعته همه مطالبات شهرداری را وصول کند. بعدش هم که با علیرضا دبیر درگیر شد. اخیرا هم که در شورای شهر تهران با کنایه به چمران گفت که «همه اعضا از ننه عقدی هستند و من را مادر صیغه‌ای زاییده است»! هر چند مدت کمی از حضور او در شورای شهر تهران باقی مانده است اما بعید به نظر می‌رسد که این آخرین حاشیه‌سازی جدیدی باشد. باز هم باید منتظر ماند!



یک پیچ پرماجرا

ماجرای دوربین مخفی در اتاق پرو

کوکچک در اتاق پرو، ممکن است دوربین مخفی جاسازی شده باشد؟ چه طور باید آن را ببینیم؟ اصلا چه طور یک نفر راضی می‌شود برای بردن آبروی دیگران، به خودش زحمت بدهد و هزینه کند؟ تعداد موارد معدود جامعه‌مان «همان بیمارها- زیاد شده» بعد از این همه‌سال استفاده درست از تکنولوژی را یاد نگرفته‌ایم؟ همه این‌ها طبیعی است و ما باید برای حفاظت از حریممان با جدیدترین متدهای جاسوسی و جاسازی آشنا بشویم؟ شما چه فکر می‌کنید؟



که هرازگاهی سروصدا راه می‌اندازند، ضروری است. «حریم خصوصی» تا همین چندسال پیش برایمان مفهومی کاملا مشخص و ملموس بود؛ حد و حدودش تعیین شده بود و پایش به دعوها و شکایت و شکایت‌کشی‌ها باز نشده بود. هر کس مراقب حریم خانه و خانواده‌اش بود و جز در موارد معدود – آدم‌های بیمار- کسی جرئت هتک حرمت نداشت و اصلا جز در همان موارد معدود، کسی دنبال این کارها نبود. همه چیز روال عادی داشت که تکنولوژی پاورچین پاورچین وارد جامعه‌مان شد. دوربین عکاسی و فیلمبرداری و گوشی‌های تلفن همراه که قرار بود زندگی‌مان را راحت‌تر کند، نمی‌دانیم چرا و چه‌طور بالای جانمان شد. یک‌روز فیلم عروسی یک زوج از همه‌جایی خبر با بلوتوث دست‌به‌دست چرخید و روز دیگر عکس‌های شخصی یک دختر جوان ساده‌ لوح‌نوی اینترنت پخش شد. وجه مشترک همه این اخبار ناراحت‌کننده هم یک توصیه بود: «مراقب حریم شخصی‌تان باشید». توصیه بی‌راهی هم نبود البته، تکنولوژی غافلگیرمان کرده بود و نمی‌دانستیم چه‌طور از خودمان در برابرش محافظت کنیم. اما از یک‌جایی به بعد دیگر مراقبت و افزایش آگاهی و حواس‌جمعی کارساز نبود. مثل همان ماجرای اتاق‌های پرو که چند سال پیش خبرساز شد و الان در قالب شایعه دوباره بر گشته. چطور باید به ذهنمان برسد که پشت آینه

الیه توانا- چندروزی است که عکس یک پیچ در فضای مجازی دست به دست می‌چرخد؛ پیچی که گفته می‌شود در آن، دوربین مخفی کار می‌گذارند و در اتاق‌های پرو نصبش می‌کنند. کاربران فضای مجازی هم با عناوین «پیچ مشکوک در اتاق پرو»، «دوربین مخفی کار گذاشته شده در پیچ»، «تو اتاق پرو، پیچ مشکوک دیدی، بیا ببرون» به ماجراجی که راست و دروغش معلوم نیست، دامن می‌زنند. با جست وجوی این عکس در گوگل فقط چند کلمه دستمان را می‌گیرد: «دوربین کوچک جاسوسی» یا «micro spy camera» که هیچ اطلاعاتی به زبان فارسی درباره آن وجود ندارد. درواقع اصلا معلوم نیست این پیچ دوربینی از کجا آمده است و هیچ نشانه ای هم مبنی بر مورد استفاده بودنش در کشورمان وجود ندارد. اما چرا این پیچ، تا این حد مورد توجه قرار گرفته و حساسیت‌برانگیز شده است؟ اگر یادتان باشد چندوقت پیش هم خبرهایی به گوشمان رسید درباره مسئله امنیت اتاق‌های پرو. بعضی‌ها می‌گفتند پشت آینه‌های اتاق پرو دوربین کار می‌گذارند. حتی دو سال پیش خامشی در یکی از استان‌های کشور، زیر کاغذ دیواری اتاق پرو دوربین مخفی پیدا کرده بود و پای پلیس هم به ماجرا باز شد. حالا هم که دوباره یک نگرانی جدید ظهور کرده، هر چند معتقدیم در حد شایعه است اما واکاوی مسائل این چنینی

درباره یک کانال تلگرامی عجیب با محتوای عجیب ترش نام سرخ پوستی: افتاده در دام کانال چنگالی



ناصر رعیت نواز - جدا از تهیه محتوای مفید و سالم برای همه اعضای خانواده، حفظ و جذب اعضای یک کانال تلگرامی یکی از سخت‌ترین کارهای کانال داری است. البته سختی جذب اعضا فقط تا چند روز پیش معنی داشت. تا روزی که یک کانال خارجی به نام «اولی فورک» تمام فرضیه‌ها را درباره سخت بودن جذب اعضا به هم ریخت. کانالی که حدود دوسال هر روز فقط عکس یک چنگال ساده و تکراری را برای بازدید قرار می‌داد. کانالی که طی دو سال فقط و فقط با یک پست تکراری، توانسته بود تعداد دو هزار عضو جذب کند! و البته چند روزی هم هست که با سر زبان افتادنش، حسابی کار و بارش گرفته است و بیشتر کانال‌های تلگرامی و وب‌سایت‌های ایرانی برای این که به کاربرانشان نشان دهند، خارجی‌ها هم آن چنان تیز و زبل نیستند و برای انتقاد از همان دو هزار نفری که یک پست تکراری را هر روز می‌بینند، شروع به پخش آدرس این کانال خارجی کردند و درباره آن پست گذاشتند. همین هم موجب شده اعضای آن به بیش از ۳۵ هزار نفر برسد و ساعت به ساعت هم بیشتر شود! این یعنی ۲۳ هزار عضو ایرانی هم مشتاق شده اند هر روز عکس یک چنگال را رویت کنند! ممکن است تعجب کنید و بپرسید چرا؟ مگه میشه؟ مگه داریم؟ جواب این است که متأسفانه این روزها آدم‌ها در فضای مجازی، به خاطر کنجکاوی، وقت گذراندن، شوخی و خنده یا بدون هیچ دلیلی، خیلی کارها می‌کنند!

لوگوی عجیبی که این روزها ترند شبکه‌های خبری مجازی است لوگوی استعدادهای درخشان یا فرامغزها؟



الهام یوسفی-اصولا لوگوی هر چیزی را برای این طراحی می‌کنند که در اولین نگاه بتوان برداشتی از اهداف، عملکرد یا چشم انداز آن شرکت یا موسسه را به ذهن مخاطب آورد. مثلا لوگوی شرکت بازیافت مواد را در نظر بگیرید، سه فلش پشت سر هم، یک مثلث ساخته که دقیقاً نشان دهنده سیکل گردش مواد و تبدیل آن هاست. برخی لوگوها هم حالت نوشتاری اسم آن شرکت یا موسسه به شکل و شمایل متفاوت است. حالا با این مقدمه، به لوگوی معاونت پرورش استعداد های درخشان نگاه کنید. اگر واقعا هدف از طراحی لوگو همان طور که گفتیم بیان نمادین اهداف، عملکرد یا چشم اندازهای یک موسسه باشد، برداشت اولیه ای که از این لوگو به ذهن هر کسی می‌رسد چیست؟ قرار است ما در این مراکز آموزشی، نخبه‌های بسیاری را پرورش دهیم و بعد آن‌ها را به جای دیگری صادر کنیم؟ فرامغزها؟ حرکت از داخل به خارج؟ حرکت از مرکز که اسم خدا در آن حک شده به ناکجا آبادی که همه بی‌خدا هستند؟ یا چی؟ و اگر منظور، چیزی غیر از این هاست، آیا غیر از این تعبیر یا مشابه آن کسی می‌تواند تعبیر و تفسیر و برداشت دیگری از این لوگو داشته باشد؟ اگر چه می‌توان از هر چیزی برداشت‌های دوری هم ارائه داد اما این لوگوی قدیمی، دیگر از آن شاهکارهایی است که نمی‌شود از کنارش به راحتی گذشت. متأسفانه لوگوی این مرکز، ناخودگاه و ناخواسته توانسته آن چه را که در واقعیت در حال اتفاق افتادن است نشان دهد.

شایعه پیداشدن جمجمه یک موجود فرازمینی در جزیره کریمه

شایعات تلگرامی را نه باور کنیم، نه فوروارد

تلگرامی منجر می‌شود. همه این‌ها را گفتیم تا برسیم به این نکته که: رسانه در عصر حاضر به دنبال جذب مخاطب است. در این بین موضوعات جذاب و غیر عادی می‌تواند ابزاری برای رسیدن به منافع چنین رسانه‌هایی باشد و وقت و فکر و انرژی مخاطب، قربانی چنین سیاست‌هایی می‌شود. مهم است کسی که در چنین فضاهایی فعالیت می‌کند به اصولی واقع‌بینانه متعهد باشد، چه به عنوان مدیر یک کانال، چه به عنوان یک مخاطب و هر مطلبی که در کانال‌های خبری خوانندیم یا برایمان ارسال شد را برای دیگران ارسال نکنیم، بلکه ابتدا از سلامت خبر آگاه شویم.



احمد کاظمی - «به تازگی اسکلت جمجمه یک پسر ۱۸ ماهه در قبری نزدیک روستای یاکوونوو واقع در بخش شرقی شبه جزیره [کریمه] کشف شده که شباهت چندانی به جمجمه آدمیزاد ندارد و به نظر دانشمندان بنیاد باستان‌شناسی، این جمجمه به خاطر ساختار عجیبی که دارد، به احتمال قریب به یقین متعلق به موجودات فرا زمینی است». شاید شما هم کلیپ این خبر را که خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک دیروز در سایت خود درج کرده است، از طریق کانال‌های خبری تلگرامی دیده باشید. کل کلیپ از چهار عبارت تشکیل شده است. اینکه یک جمجمه عجیب با حالتی کشیده در شبه جزیره کریمه پیدا شده است؛ در منطقه‌ای که قبایل سرگردان سارتی زندگی می‌کردند و دیگر اینکه این مدل جمجمه در نزد آنان محبوب بوده زیرا مرد را جنگنده نشان می‌دهد و آن‌ها معتقد بودند این افراد در جنگ‌ها بهتر می‌توانند پیکار کنند. تنها عبارت آخر این کلیپ مدعی است که برخی معتقدند جمجمه متعلق به موجوداتی بیگانه فرازمینی است. اما چیزی که در کانال‌های تلگرامی ما منعکس شده همان حالت غیر محتمل و در واقع فرضی و ماوراء طبیعی این خبر است؛ یعنی «پیدا شدن یک جمجمه فرا زمینی»! این روزها خامشی از این قبیل شایعات، زیاد در کانال‌های تلگرامی دست به دست می‌شود. شایعاتی که رگه‌هایی از واقعیت دارند (مثل پیدا شدن یک اسکلت) ولی آدمین‌های تلگرامی برای جذب مخاطب و ممبر بیشتر، بر نقاط تاریک، مبهم و جذاب موضوع تکیه می‌کنند و همین موضوع، به شکل گرفتن یک شایعه بی‌اساس